

نقش جهان و چغازنبیل در یونسکو

۱۹ نوامبر ۱۹۷۲ یعنی ۳۵ سال پیش میثاق محافظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان به تصویب مجمع عمومی یونسکو رسید. پنج سال بعد نخستین جلسه بین‌الدولی آن از تاریخ ۲۷ ژوئن تا اول ژوئیه ۱۹۷۷ در پاریس تشکیل شد. آقای فیروز باقرزاده که ریاست مرکز باستان‌شناسی ایران را بر عهده داشت به ریاست آن جلسه انتخاب شد. انتخاب آقای باقرزاده به این سمت به علت نقش فعال ایران در سطح جهانی و البته شخصیت خود آقای باقرزاده بود. دومین جلسه کمیته سال بعد از ۵ تا ۸ سپتامبر ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) در واشنگتن تشکیل شد. باز آقای باقرزاده در آن جلسه شرکت داشتند و ۱۲ اثر جهانی برای اولین بار به ثبت رسید که بیشتر طبیعی بودند مثل پارک یل استون در امریکا و جزایر گالاپاگوس. از آثار فرهنگی از مرکز شهر کراکف در لهستان و کلیسای آخن در آلمان می‌توان نام برد که در این دوره ثبت شدند. چند ماه بعد در بهمن ۱۳۵۷ یعنی فوریه ۱۹۷۹ در ایران انقلاب شد و دکتر پرویز ورچاوند به قائم مقامی وزارت فرهنگ و هنر منصوب شد. در سال ۵۸ قرار شد یک هیات از سوی ایران با حضور آقای باقرزاده، باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی و من برای شرکت و دفاع از پرونده‌های ایران مرکب از تخت جمشید، زیگورات چغازنبیل و میدان نقش جهان اصفهان به شهر الاخصر مصر بروند. در این میان نامه‌ای به مراجع عالی‌ه ایران رسید که ثبت ایران در فهرست جهانی بهانه‌ای است برای فعالیت‌های ضد انقلاب. این نامه را پنج تن از اعضای مرکز باستان‌شناسی ایران امضا کرده بودند. بقیه اعضا مانند آقای یحیی کوثری از امضای آن خودداری



● دکتر شهریار عدل (عکس از نیموری نیا).

کردند. معه‌ذا نامه کار خودش را کرد. چون وزارت فرهنگ و هنر که موقعیت ضعیفی داشت، عقب‌نشینی کرد. آقای باقرزاده و آیت‌الله زاده شیرازی کنار رفتند. از آن جایی که ثبت این آثار به ویژه تخت جمشید در آن زمان حیاتی بود به کمک تنی چند از بلند پایگان انقلاب، من با معرفی دولت انقلابی ایران ولی به هزینه شخصی به مصر رفتم. این سه اثر به ثبت رسید. اما این رفتار زشت اثر بدی گذاشت. به طوری که تا بیست سال بعد کسی به دنبال ثبت آثار ایران نرفت.

نکته مهم در ثبت سه اثر تخت جمشید، میدان نقش جهان و زیگورات چغازنبیل در این بود که تهیه پرونده در آن زمان به صورت امروزی نبود. الان این پرونده‌ها مانند پرونده کلیساها بسیار مشکل است و هر کدام به چندین جلد می‌رسد. در حالی که پرونده میدان نقش جهان با عکس هشت صفحه بود. البته این نکته خالی از لطف نیست که با توجه به اینکه ایران از پایه گذاران ثبت آثار تاریخی بود و نخستین رئیس این اجلاس یک ایرانی بود؛ کمتر توانست از آن بهره ببرد.

در سال‌های ابتدایی تشکیل کمیته میراث جهانی آثاری که مطرح می‌شد بدون تردید جزء میراث جهانی بود. هم‌زمان با سه پرونده ما اهرام ثلاثه مصر نیز به ثبت رسید. در واقع در آن زمان پرونده‌هایی مطرح می‌شد که کسی جرات نمی‌کرد آن را رد کند. حتی اگر یک ورق هم بود ثبت می‌شد.

در سال ۱۳۸۲ به همت آقای جلیل گلشن در زمان ریاست آقای مهندس بهشتی در سازمان

میراث فرهنگی مساله ثبت آثار تاریخی بار دیگر مطرح و از سر گرفته شد و همچنان تا امروز پیگیری می‌شود. امروز آقای مشایی رئیس سازمان میراث فرهنگی کشور، آقای طه هاشمی و مهندس دولت‌آبادی و مهندس خادم‌زاده از نزدیک مسائل را پیگیری می‌کنند. آقای گلشن همچنان همکاری دارند و خانم شیرین دبیر روحانی.

به عنوان پایان کلام این موضوع را باید عنوان کنم که فکر نکنید نخستین سود ثبت آثار به تخت جمشید رسید. خیر. اصفهان نخستین بهره‌ر را برد. چون ادامه وقایع این چنین بود که به دنبال حمله عراق به ایران و بمباران شهرها اصفهان نیز مورد تجاوز قرار گرفت و یک موشک عراقی به مسجد جامع اصفهان اصابت کرد و بخشی از طاق و ستون‌های آن فرو ریخت. امروزه اینها مرمت شده و اگر کسی نداند که کجاست پیدایش نمی‌کند. در همان زمان با آقای سورن ملیکیان که در آن زمان از بزرگترین دانشمندان ایران‌شناس و از ستون‌نویس‌های روزنامه هرالد تریبون اینترنشنال بود، این تجاوز را با عکس به صفحه اول روزنامه بردیم. این خبر غوغا کرد. پس از آن هم البته به دلیل جانبازی ایرانیان و حرکت‌هایی مانند این حرکت‌ها این تجاوزها به ویژه تجاوز به شهرهای تاریخی به پایان رسید.

الان ثبت جهانی آثار با توجه به حساسیت مردم به این موضوع به صورت یک مساله ملی در آمده است. تصور می‌شود که اگر یک پرونده مردود شود به حیثیت ملی ایران لطمه می‌خورد. این دید درست نیست. به این دلیل که پرونده‌های کشورهای دیگر که قدرت‌های جهانی اقتصادی هستند تا به حال بسیار رد شده حال اینکه تا به حال پرونده‌ای از ما رد نشده است. اما بالاخره روزی اتفاق خواهد افتاد. باید به این امر کاملاً توجه شود که رد شدن پرونده بر دو نوع است؛ یک زمانی است که یونسکو یا مرکز میراث جهانی به کشوری اعلام می‌کنند که پرونده شما نقص فنی دارد و نتوانستید یک پرونده کامل را تهیه کنید. این بسیار بد است که یک کشور قادر نیست یک پرونده را به صورت مطلوب جهانی آماده کند. این اتفاق برای نوروژ و پرونده کلیساها افتاد. این کار را عقب می‌اندازد اما مردود نیست. اما حالت دوم این است که زمانی در کمیته یک اثر ثبت می‌شود، هیات داوری بین‌المللی آن پرونده را رد می‌کنند. آن زمانی است که کمیته میراث جهانی تصمیم گرفته یک پرونده را رد کند. این موضوع پیش می‌آید. مانند شرکت یک فیلم در فستیوال کن یا اسکار است؛ یک عده داور تصمیم می‌گیرند جایزه بدهند یا خیر، در کمیته میراث جهانی هم این چنین است. این یک قضاوت است ربطی به حیثیت کشورها ندارد.



نشان تمدن و فرهنگ ایرانی در دست دو بانوی سیاستمدار

مولانا در فونیه، هزاران عاشق این شاعر پارسی زبان را به کشور خود می کشانند و رفیق مماع درویشان را به نشان ملی کشور خود بدل کرده اند، نشان می دهند که در عرصه بین المللی، فواعتد بازی را بهتر از ما می دانند. حالا می توانیم دلبران را خوش کنیم که پیام شاعر پارسی زبان آن چنان قدرتمند هست که می تواند حلقه ارباط شهروندی از ترکیه و بانویی از امریکا باشد، اما هر کارشناسی ناخودآگاه این دغدغه را پیش روی خود می بیند که در هزار سالگی مولانای بزرگ، چگونه سایه نام ایران بر اسم این عارف کبیر کم رنگ تر و کم رنگ تر می شود.

پارسی است. از هوشمندی امینه اردوغان همین بس که با زیرکی دانسته برای بهبود وجهه و اعتبار کشورش در محافل بین المللی، هدیه بی بهتر از غزلیات و مثنویات ناب مولانا را نمی تواند عرضه کند؛ شاعر بزرگ پارسی زبانی که پس از گذشت حدود هزار سال هنوز پیام آتور مغنوبیت و عرفان در دنیای پر از آشوب کنونی است. ترک ها که سال ها صفت با استفاده تو ریستی از مقبره

داده اند. شاید اقبال غریبیان به ترجمه و دکلمه اشعار مولانا، مسوولان ترکیه را به این صرافت انداخته که در مسابقه مصادره مفاخر ملی ایران، از اعراب، پاکستانی ها و ... عقب نمانند. احتمالاً باید به لورا یوش حق داد که با توجه به ترجمه انگلیسی اشعار، او را بیک شاعر ترک زبان بدانند و هیچ گاه در نیابید که شاهکارهای بزرگ این مرد بی معنای تاریخ ادبیات جهان، نامی به زبان

یکه اردوغان همسر رجب طیب اردوغان مست وزیر ترکیه در دیدار با لورا یوش بوی اول کاخ سفید، سه جلد ترجمه گنجینه دیوان شعر مولانا را به او هدیه دهد. هفته جاری هفته بزرگداشت شاعر بزرگ ایرانی است که حالا بانوی اول ترکیه است او را به عنوان مفاخر کشور خود به لورا یوش هدیه می دهد. در جشن های بزرگی که طی بزرگداشت مولانا برگزار شد، مفاخرات کیه با زیرکی و پشتکار قابل توجهی مولانا شاعری ترک زبان معرفی کردند. حرکت مسر اردوغان نشان می دهد که مسوولان کیه برای مصادره این شاعر محبوب و بزرگ دوراندیش قابل توجهی به خرج

عکس: کورینس